

مسلسل: ۱۸۱۴۲

فروردین ۱۴۰۱

الزامات سیاستی استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش کشور

معاونت پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی

دفتر: مطالعات فرهنگی و آموزش



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۱۴۲
کد موضوعی: ۲۷۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: الزامات سیاستی استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش کشور

نام دفتر: مطالعات فرهنگی و آموزش

تهیه و تدوین: مهدی مهدی

مدیر مطالعه: یوسف زراعت‌کیش

اظهار نظر کننده: هادی یوسفی

ناظران علمی: موسی بیات، کمیل قیدرلو

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. آموزش عالی

۲. تضمین کیفیت

۳. ارزیابی

۴. اعتبارسنجی



تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱/۱۴

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	خلاصه مدیریتی.....
۳.....	مقدمه.....
۴.....	الزامات قوانین و اسناد بالادستی در خصوص نظام تضمین کیفیت.....
۸.....	آسیب شناسی وضعیت موجود ارزیابی نظام آموزش عالی و پژوهشی کشور.....
۱۵.....	مطالعه تطبیقی کشورهای منتخب.....
۱۷.....	جمع بندی و پیشنهادها.....
۱۸.....	۱. تکمیل و انسجام بخشی به ساختار نظام تضمین کیفیت.....
۲۱.....	۲. تکمیل فرایند اعتبار سنجی و گستره آن.....
۲۱.....	۳. مشارکت دادن ذی نفعان در طراحی و استقرار نظام تضمین کیفیت.....
۲۲.....	۴. تغییر رویکرد ارزیابی ها از درون دادمحوری به برون دادمحوری.....
۲۲.....	۵. استفاده از نتایج ارزیابی به عنوان ابزار سیاستی.....
۲۳.....	۶. الزام انتشار عمومی نتایج ارزیابی.....
۲۴.....	۷. ایجاد سامانه ملی اطلاعات آموزش عالی و علم و فناوری.....
۲۴.....	۸. عضویت در شبکه های تضمین کیفیت منطقه ای و بین المللی.....
۲۵.....	منابع و مآخذ.....



الزامات سیاستی استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش کشور

خلاصه مدیریتی

کیفیت نظام آموزش عالی و پژوهشی کشور و ایجاد سازوکارهای لازم برای ارزیابی آن، به‌عنوان یکی از مسائل اصلی این حوزه مطرح است. گزارش حاضر، به‌منظور ارائه راهکارهایی برای اصلاح و تکمیل نظام تضمین کیفیت آموزش عالی و پژوهشی کشور از طریق بررسی اقدامات و فعالیت‌های ارزیابی گذشته و تحلیل و آسیب‌شناسی وضعیت موجود انجام گرفته است. این گزارش، شامل چهار بخش بررسی اسناد بالادستی و سوابق قانونی، بررسی و آسیب‌شناسی فعالیت‌های دستگاه‌های متولی، مطالعه تطبیقی کشورهای منتخب و ارائه پیشنهادهای سیاستی و اجرایی است.

به‌منظور شناسایی الزامات مرتبط با موضوع در اسناد بالادستی و سوابق قانونی موجود، به بررسی اسنادی همچون قوانین برنامه توسعه پنج‌ساله، نقشه جامع علمی کشور، سیاست‌های کلی علم و فناوری، قانون تشکیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پرداخته شد. با بررسی سوابق قانونی ملاحظه می‌شود که موضوع ارزیابی نظام آموزش عالی و پژوهشی از حدود دو دهه قبل به عرصه سیاست‌ها و قوانین کشور راه پیدا کرده است. به مرور زمان، با تقویت گفتمان کیفیت و توسعه ادبیات ارزیابی آموزش عالی، بر جامع‌نگری و غنای قوانین افزوده شده است؛ به‌طوری‌که از موضوعاتی مانند «تعیین ضوابط، معیارها و استانداردهای علمی»، «استقرار نظام جامع نظارت و ارزیابی و رتبه‌بندی» و «اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها» سخن به میان آمده است و «ایجاد نهاد ملی مدیریت ارزیابی و اعتبارسنجی و تضمین کیفیت» در نظام آموزش عالی کشور ضروری دانسته شده است. وجود الزامات قانونی مشابه برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در رابطه با وظایف نظارت و ارزیابی و تأکید بر استفاده از انجمن‌های علمی و نهادهای تخصصی از دیگر نکات حائز اهمیت در اسناد بالادستی هستند.

در مرحله بعدی، فعالیت‌هایی که با هدف ارزیابی در نظام آموزش عالی کشور توسط دستگاه‌های مختلف از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام شده است مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گرفت. مهم‌ترین آسیب‌های شناسایی شده شامل ۹ مورد بودند که عبارتند از: پراکندگی فعالیت‌های ارزیابی، دولتی و صوری بودن ارزیابی، ضعف رویکرد علمی و تخصصی، غلبه رویکرد کنترلی، مستمر نبودن ارزیابی‌ها، فردگرایی در

ارزیابی‌ها، شفافیت پایین فعالیت‌های ارزیابی، کم‌توجهی به ذی‌نفعان مختلف آموزش عالی و پژوهشی و اثربخش نبودن فعالیت‌های ارزیابی. همچنین از دیگر کاستی‌های موجود می‌توان به فقدان شاخص‌ها و استانداردهای مورد توافق، کم‌توجهی به مأموریت‌گرایی و اصل تنوع در ارزیابی‌ها، چالش‌های رتبه‌بندی از نظر اعتبار و پایایی، عدم عضویت در شبکه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تضمین کیفیت، نبود سامانه جامع اطلاعات آموزش عالی و علم و فناوری و نهادینه‌نشدن ارزیابی درونی اشاره کرد.

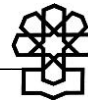
همچنین، مطالعه تطبیقی نظام‌های تضمین کیفیت آموزش عالی در چند کشور منتخب (شامل آمریکا، فرانسه، ترکیه و چین) نشان می‌دهد که از نظر میزان تمرکزگرایی بین نظام تضمین کیفیت کشورها با ساختار سیاسی آنها تناسب وجود دارد؛ با این حال، تمایل به ایجاد ساختارهای غیرمتمرکز و افزایش بوده است. تأمین مالی فعالیت‌های ارزیابی نهادهای دولتی توسط دولت انجام می‌گیرد، ولی سازمان‌های تخصصی از حق عضویت مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، هزینه انجام اعتبارسنجی و هدایای مالی نیز بهره می‌برند. از نکات قابل توجه دیگر، حضور ذی‌نفعان مختلف آموزش عالی از قبیل دانشجویان، کارفرمایان و اعضای هیئت علمی در ترکیب شوراها، کمیسیون‌ها و هیئت‌های ارزیابی جهت جلوگیری از تعارض منافع است. همچنین از نتایج ارزیابی به‌عنوان ابزار سیاستی برای تمدید اعتبار دوره‌های تحصیلی، مأموریت‌گراکردن مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و تخصیص حمایت‌های مالی دولتی استفاده می‌شود.

درنهایت، مطالعه حاضر به ارائه پیشنهاد‌های سیاستی و اجرایی ذیل برای اصلاح و تکمیل فعالیت‌های ارزیابی کنونی و استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش کشور منجر شده است:

- اول، تکمیل و انسجام‌بخشی به ساختار نظام تضمین کیفیت است که اجزای آن شامل نهاد ملی تضمین کیفیت (زیرنظر شورای عالی انقلاب فرهنگی)، مراکز نظارت و ارزیابی وزارتخانه‌ای (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)، سازمان‌های غیردولتی و تخصصی اعتبارسنجی و واحدهای نظارت و ارزیابی مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی خواهد بود.

- دوم، تکمیل فرایند اعتبارسنجی به‌گونه‌ای است که همه مراحل این الگو در دو بخش ارزیابی درونی و ارزیابی بیرونی را شامل شود و موضوعات مختلف آموزش عالی از قبیل مأموریت و مدیریت دانشگاه، هیئت علمی، دانشجویان، فارغ‌التحصیلان، فرایندهای یاددهی-یادگیری، دوره‌های آموزشی، برنامه‌های درسی، فعالیت‌های پژوهشی و موارد دیگر را دربرگیرد.

- سوم، حضور نمایندگانی از تمامی ذی‌نفعان کلیدی در شوراها، کمیسیون‌ها، کمیته‌های تخصصی و هیئت‌های ارزیابی و مشارکت‌شان در تدوین فرایندها و رویه‌ها، تعیین استانداردها و شاخص‌ها و مراحل اجرایی ارزیابی است.



- چهارم، تغییر رویکرد ارزیابی‌ها از درون‌دادمحوری به برون‌دادمحوری است؛ به طوری که درون‌داده‌ها، مانند پذیرش دانشجویان، جذب هیئت علمی، تدوین برنامه‌های درسی و امور روزمره را به خود مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی سپرده و بر کیفیت برون‌داده‌ها مانند دانش‌آموختگان و کیفیت پژوهش‌ها و خدمات تمرکز نماید.
- پنجم، از نتایج ارزیابی به‌عنوان ابزار سیاستی، در مواردی همچون اعطای مجوزها، تمدید اعتبار دوره‌ها، انعقاد قراردادهای پژوهشی و تخصیص بودجه دولتی استفاده شود.
- ششم، به‌منظور ارتقای شفافیت، تقویت مشارکت ذی‌نفعان، بهبود اطلاع‌رسانی و پاسخگویی، سازمان‌های ارزیابی‌کننده و مؤسسات آموزشی و پژوهشی ملزم به انتشار عمومی نتایج ارزیابی شوند.
- هفتم، ایجاد سامانه ملی اطلاعات آموزش عالی و علم و فناوری است به طوری که، آمار و اطلاعات موجود را یکپارچه کرده و نقص‌های اطلاعاتی مورد نیاز نظام تضمین کیفیت را برطرف نماید.
- هشتم، عضویت در شبکه‌های تضمین کیفیت منطقه‌ای و بین‌المللی است که به‌طور خاص، پیوستن به شبکه کیفیت آموزش عالی در حوزه آسیا-پاسیفیک (APQN) و تلاش برای تشکیل «شبکه تضمین کیفیت آموزش عالی کشورهای اسلامی» توصیه می‌شود.

مقدمه

چندین دهه است که مقوله کیفیت و ایجاد سازوکارهای لازم برای ارزیابی^۱ آن، به‌عنوان یکی از مسائل اصلی نظام‌های آموزش عالی کشور مطرح بوده است. گسترش و همگانی‌شدن فرصت‌های آموزش عالی، ذی‌نفعان متنوع و پرشماری را پدید آورده است که برای آنان، ارزیابی کیفیت آموزش عالی و خدماتی که دانشگاه‌ها ارائه می‌دهند، اهمیت پیدا کرده است. مجموعه فعالیت‌های مورد نیاز برای ارزیابی کیفیت در نظام‌های آموزش عالی، در قالب نظام تضمین کیفیت^۲ و ارزیابی آموزش عالی سامان پیدا می‌کنند. «نظام تضمین کیفیت آموزش عالی» به سیستم هدفمندی از خط‌مشی‌ها، ساختارها، معیارها، سازوکارها، فرایندها و بازخوردها اطلاق می‌شود که از طریق آن کیفیت آموزش عالی مورد ارزیابی و اعتبارسنجی قرار می‌گیرد و به‌وسیله آن، ذی‌نفعان مختلف نسبت به این کیفیت اطمینان می‌یابند (فراستخواه، بازرگان و لوکس، ۱۳۸۶، ۲). هدف از انجام مطالعه حاضر، تبیین الزامات استقرار نظام تضمین کیفیت و ارائه راهکارهایی برای اصلاح و تکمیل فعالیت‌های ارزیابی موجود است. از اهداف خرد آن نیز می‌توان به ارائه ساختار مطلوب، کارکردهای مورد انتظار، روابط نهادی و سازوکار تأمین مالی این نظام اشاره کرد. برای انجام پژوهش، در ابتدا، با استفاده از روش مطالعه اسنادی، اسناد بالادستی و قوانین موجود در حوزه

1. Evaluation

2. Quality Assurance (QA)

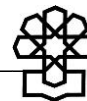
آموزش و پژوهش کشور بررسی شده و الزامات آنها در خصوص ایجاد نظام تضمین کیفیت استخراج شده است. در مرحله بعد، با مطالعه اقدامات انجام شده توسط دستگاه‌های متولی، شناختی از وضعیت گذشته و موجود ارزیابی در نظام آموزش عالی و پژوهشی کشور به دست آمده و مورد آسیب‌شناسی قرار گرفته است. سپس، مطالعه تطبیقی نظام تضمین کیفیت آموزش عالی در چند کشور منتخب انجام شده است و در نهایت پیشنهادهای سیاستی و اجرایی برای اصلاح و تکمیل فعالیت‌های ارزیابی کنونی و استقرار نظام تضمین کیفیت آموزش عالی و پژوهشی ارائه شده است.

الزامات قوانین و اسناد بالادستی در خصوص نظام تضمین کیفیت

اسناد بالادستی و قوانین متعددی در حوزه آموزش عالی و علم و فناوری وجود دارند که الزامات و دلالت‌هایی را برای سروسامان‌دادن به ارزیابی در این حوزه تعیین کرده‌اند. در این پژوهش، قوانین توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (برنامه اول تا ششم پس از انقلاب اسلامی)، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سند نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی علم و فناوری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. خلاصه‌ای از مواد و بندهای مرتبط این اسناد در جدول ۱ آمده است.

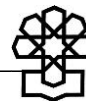
جدول ۱. سوابق قانونی ارزیابی آموزش عالی و پژوهش در ایران

ردیف	سیاست/قانون	ماده/بند	متن
۱	قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۶۴)	ماده (۲)	با تصویب این قانون و تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آن قسمت از وظایف، اختیارات، امکانات، اعتبارات و تعهدات وزارت فرهنگ و آموزش عالی در زمینه بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به این وزارت منتقل می‌گردد.
		ماده (۳)	معاونت پژوهشی این وزارت موظف است نظارت بر پژوهش‌های علمی و هماهنگ‌ساختن واحدهای تحقیقاتی پزشکی، مؤسسات و واحدهای پژوهشی پزشکی موجود را توسعه داده و تقویت نماید.
		ماده (۶) - تبصره «۳»	کلیه ضوابط و مقررات آموزشی حاکم بر سایر دانشگاه‌های کشور و اعلام‌شده از شورای عالی انقلاب و وزارت فرهنگ و آموزش عالی در مورد دانشگاه‌های علوم پزشکی حاکم و جاری خواهد بود.
		ماده (۸)	کلیه مؤسسات و واحدهای بهداشتی و درمانی و پزشکی کشور که از طریق بخش خصوصی و غیردولتی در امر بهداشت و درمان فعالیت دارند، باید تحت نظارت و کنترل و برنامه‌ریزی این وزارتخانه قرار گیرند.



ردیف	سیاست/قانون	ماده/بند	متن
۲	قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸)	خط‌مشی‌ها- بند «۳»	-گسترش آموزش عالی با توجه کامل به ارتقای کیفی آموزش و انطباق آن با اولویت‌های برنامه -حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت‌های علمی، فنی، تخصصی و تحقیقاتی کشور
۳	قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳)	خط‌مشی‌های اساسی- بند «۵»	ایجاد نظام ارزشیابی و بازنگری برنامه‌های آموزشی بهبود شاخص‌های کمی و کیفی و افزایش سهم اعتبارات آموزش عالی
۴	قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹)	ماده (۹۹)	به منظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی کشور، از ابتدای برنامه سوم توسعه کشور، «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» به «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» تغییر نام می‌یابد و وظایف برنامه‌ریزی، حمایت و پشتیبانی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فناوری به وظایف وزارتخانه مذکور افزوده می‌شود.
۵	قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)	ماده (۴۹)	ج) ارزیابی مستمر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی دولتی و خصوصی توسط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری انجمن‌های علمی و مداخله براساس آن و سرمایه‌گذاری در علوم منتخب.
۶	قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۳)	ماده (۲): مأموریت‌های اصلی و حدود اختیارات	الف- (۱۰) ارزیابی جامع عملکرد نظام ملی علوم، تحقیقات و فناوری شامل پیشرفت‌ها، شناخت موانع و مشکلات و تدوین و ارائه گزارش سالانه.
			ب- (۴) تعیین ضوابط، معیارها و استانداردهای علمی مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی با رعایت اصول انعطاف، پویایی، رقابت و نوآوری علمی.
			ب- (۵) نظارت بر فعالیت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور.
			ب- (۶) ارزیابی مستمر فعالیت هرگونه واحد آموزش عالی و یا مؤسسه تحقیقاتی (اعم از دولتی و غیردولتی) و جلوگیری از ادامه فعالیت، تعلیق فعالیت و یا انحلال هریک از آنها در صورت تخلف از ضوابط و یا از دست دادن شرایط ادامه فعالیت براساس اساسنامه‌های مصوب.
ب- (۱۰) ارزیابی و اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی به صورت مستقیم و یا از طریق حمایت از انجمن‌های مستقل علمی، تخصصی و فرهنگستان‌ها در ارزیابی علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات و انتشار نتایج در محافل علمی و ارائه گزارش سالانه به			

ردیف	سیاست/قانون	ماده/بند	متن
			<p>کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی و سایر مراجع ذیصلاح.</p> <p>ب-۱۱) تأیید اساسنامه و صدور مجوز ایجاد یا توسعه هرگونه واحد آموزش عالی یا مؤسسه تحقیقاتی (اعم از دولتی یا غیردولتی)، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی.</p> <p>ب-۱۲) ارزیابی سالانه عملکرد مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی دولتی.</p>
۷	<p>قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹)</p>	ماده (۱۵)	<p>ب) تدوین و ارتقای شاخص‌های کیفی به‌خصوص در رشته‌های علوم انسانی</p> <p>و) استقرار نظام جامع نظارت و ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی براساس شاخص‌های مورد تأیید وزارتخانه‌های مذکور منوط به عدم مغایرت با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با هدف ارتقای کیفیت آموزشی و پژوهشی.</p>
		ماده (۱۶)	<p>و-۶) استقرار نظام یکپارچه پایش و ارزیابی علم و فناوری کشور تحت نظر شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری با هماهنگی مرکز آمار ایران جهت رصد وضعیت علمی کشور و ارائه گزارش سالانه به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی</p>
		ماده (۲۲۴)	<p>کلیه دستگاه‌های اجرایی و مراکز تحقیقاتی وابسته به آنها و شرکت‌های دولتی که از اعتبارات بخش تحقیقات کشور استفاده می‌کنند، موظفند این اعتبارات را براساس سیاست‌ها و اولویت‌های تعیین شده توسط شورای عتف هزینه نمایند و هر سه ماه یکبار گزارش عملکرد خود را به دبیرخانه شورای عتف ارائه دهند.</p>
۸	<p>نقشه جامع علمی کشور (۱۳۸۹)</p>	<p>راهبرد کلان ۱-راهبرد ملی ۶</p>	<p>اصلاح فرایندها و ساختارهای نظارت و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری ملی و تعیین استانداردهای بومی در حوزه علم و فناوری در چارچوب نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور</p>
		<p>راهبرد کلان ۱-اقدام ملی ۱۱</p>	<p>طراحی نظام کارآمد برای نظارت و ارزیابی و استقرار نظام‌های جامع رتبه‌بندی و تضمین کیفیت نهادهای علمی و فناوری و نوآوری با تأکید بر حفظ حقوق متقاضیان و شفاف‌سازی و رونق بازار عرضه و تقاضا؛</p>
		<p>راهبرد کلان ۶-راهبرد ملی ۲</p>	<p>انسجام‌بخشی و تقویت یکپارچگی در سیاستگذاری و نظارت و اعتبارسنجی در نظام آموزش عالی کشور؛</p>
		<p>راهبرد کلان ۶-اقدام ملی ۹</p>	<p>ایجاد نهاد ملی مدیریت ارزیابی و اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی تحت نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی.</p>
		<p>راهبرد کلان ۷-اقدام ملی ۱</p>	<p>ارزیابی و دسته‌بندی مؤسسات پژوهشی و تعیین جایگاه تشکیلاتی مناسب آنها بین وزارتخانه‌ها، دستگاه‌های علمی، صنعتی و اجرایی، شفاف سازی مأموریت آنها؛</p>



ردیف	سیاست/قانون	ماده/بند	متن
		راهبرد کلان ۷-اقدام ملی ۷	لحاظنمودن میزان رفع نیازهای جامعه در شاخص‌های رتبه‌بندی مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و نظام انگیزشی پژوهشگران و فناوران؛
		راهبرد کلان ۹-اقدام ملی ۲۲	مشارکت فعال در تنظیم معیارها و اهداف نظام اعتبارسنجی و رتبه‌بندی مراکز آموزش عالی در منطقه و جهان اسلام؛
۹	سیاست‌های کلی علم و فناوری (۱۳۹۳)	بند «۲-۳»	ساماندهی و تقویت نظام‌های نظارت، ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه‌بندی در حوزه‌های علم و فناوری.
۱۰	قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶)	ماده (۶۶)	هدف‌گذاری و تعیین شاخص برای ارتقای کیفیت آموزش عالی و پژوهش و فناوری شامل: الف) سهم دانشجویان خارجی؛ سهم دانشجویان غیردولتی؛ نسبت دانشجویان به هیئت علمی؛ ب) تعداد دانشجویان؛ نرخ ناخالص ثبت نام؛ سهم دانشجویان مقاطع تحصیلی؛ سهم آموزش‌های مهارتی؛ تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم پایه؛ تعداد دانشگاه‌های در زمره صد دانشگاه برتر آسیا؛ تعداد شعب خارجی دانشگاه‌های کشور؛ ج) رتبه تولید مقاله؛ شاخص هرش در جهان؛ سهم اعتبارات پژوهش دولتی؛ تعداد اختراعات و ابداعات؛ سهم محصولات با فناوری متوسط به بالا؛ تعداد پژوهشگران؛ تعداد نشریات نمایه‌شده بین‌المللی

با بررسی سوابق قانونی ملاحظه می‌شود که موضوع ارزیابی نظام علم و فناوری و آموزش عالی از حدود دو دهه قبل به عرصه سیاست‌ها و قوانین کشور راه پیدا کرده است. در ابتدا، به اهمیت مسئله ارزیابی در آموزش عالی کشور اذعان شده و بر انجام ارزیابی‌های مستمر دانشگاه‌ها توسط دستگاه‌های متولی (از جمله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) تأکید شده است. به مرور زمان، با تقویت گفتمان کیفیت و توسعه ادبیات ارزیابی آموزش عالی، بر جامع‌نگری و غنای قوانین جدید نیز افزوده شده است؛ به طوری که، از موضوعاتی مانند «تعیین ضوابط، معیارها و استانداردهای علمی»، «استقرار نظام جامع نظارت و ارزیابی و رتبه‌بندی» و «اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها» سخن به میان آمده است و «ایجاد نهاد ملی مدیریت ارزیابی و اعتبارسنجی و تضمین کیفیت» در نظام آموزش عالی کشور ضروری دانسته شده است. با تلفیق و جمع‌بندی الزامات قوانین و اسناد بالادستی در مورد ارزیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش کشور، نکات اساسی زیر به دست می‌آید:

۱. ابعاد و محورهای اصلی نظام ارزیابی و تضمین کیفیت شامل این موارد خواهند بود:

- گسترش آموزش عالی و اعطای مجوز ایجاد و توسعه مؤسسات و رشته‌ها،

- ارزیابی و بازنگری برنامه‌های آموزشی و درسی،
 - ارزیابی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی (دولتی و خصوصی)،
 - تعیین ضوابط، معیارها، شاخص‌ها و استانداردهای کمی و کیفی برای سنجش عملکرد آموزشی، پژوهشی و فناوری،
 - رتبه‌بندی مؤسسات آموزش عالی و پژوهش و فناوری؛
۲. در رابطه با ارزیابی و تضمین کیفیت، قوانین مشابهی برای وزارتخانه‌های علوم و بهداشت وضع شده است و وظایف مشابهی نسبت به ارزیابی مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی زیر نظر خود دارند؛
۳. بر استفاده و همکاری با انجمن‌های علمی، نهادهای تخصصی و فرهنگستان‌ها در ارزیابی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی تأکید شده است؛
۴. طبق برنامه پنجم توسعه، استقرار نظام یکپارچه ارزیابی علم و فناوری در کشور باید تحت نظر شورای عتف باشد و نقشه جامعه علمی کشور نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی را به‌عنوان محل ایجاد نهاد ملی مدیریت ارزیابی و تضمین کیفیت تعیین کرده است.

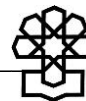
آسیب‌شناسی وضعیت موجود ارزیابی نظام آموزش عالی و پژوهشی کشور

فعالیت‌های ارزیابی انجام شده توسط نهادهای متولی

در نظام آموزش عالی و پژوهشی ایران، نهادهای متعددی سیاستگذاری و مدیریت این حوزه را برعهده دارند که مهم‌ترین آنها، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هستند. در این قسمت، مهم‌ترین اقدامات این نهادها در زمینه ارزیابی مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور، بررسی و تحلیل شده است.

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه فعالیت‌های ستاد انقلاب فرهنگی، از سال ۱۳۶۳ در جایگاه مرجع عالی حاکمیتی در زمینه آموزش عالی و دانشگاه‌ها قرار گرفت و یکی از وظایف آن ارزیابی نظام آموزشی و تحقیقات و تهیه و تدوین مبانی و شاخص‌های دانشگاه متناسب با نظام اسلامی بود. همچنین تصویب ضوابط تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی، تصویب اساسنامه آنها و تجدیدنظر در آنها جزو اختیارات این شورا قرار گرفت (فراستخواه، ۱۳۸۸). در سال ۱۳۷۹، شورای عالی انقلاب فرهنگی به تشکیل «هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی» در زیرمجموعه خود اقدام کرد. براساس آیین‌نامه مصوب، گستره نظارت و ارزیابی هیئت مزبور، آموزش عالی و علم و فناوری را دربرمی‌گرفت. در ادامه،



شورای عالی انقلاب فرهنگی «شاخص‌های آموزش عالی» را در آبان‌ماه ۱۳۸۱ به تصویب رساند که شاخص‌هایی را برای ارزیابی آموزش عالی در دو سطح کلان و خرد و از نظر ابعاد کیفی و کمی شامل می‌شود (شاخص‌های ارزیابی آموزش عالی، ۱۳۸۳).

براساس شاخص‌های مذکور، هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی تاکنون گزارش چهار ارزیابی کلان آموزش عالی را منتشر کرده است (۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۳). پس از تصویب نقشه جامع علمی کشور، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی دچار تغییرات ساختاری شد و با ایجاد ستاد راهبری اجرای نقشه، هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی منحل گردید و «معاونت نظارت و راهبری اجرای ستاد علم و فناوری»، مسئولیت نظارت کلان بر نظام علم و فناوری و آموزش عالی کشور را عهده‌دار شد. در سال‌های اخیر نیز، این شورا اقدام به تهیه و انتشار گزارش‌هایی با عنوان پایش وضعیت شاخص‌های علم، فناوری و نوآوری (۱۳۹۸) با محوریت شاخص‌های نقشه جامع علمی کشور کرده است.

۲. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

در حال حاضر در زیرمجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دو مرکز یعنی «مرکز تحقیقات، ارزشیابی و تضمین کیفیت» سازمان سنجش و «مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت» به‌طور هم‌زمان متولی ارزیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش عالی کشور هستند.

الف) مرکز تحقیقات، ارزشیابی و تضمین کیفیت سازمان سنجش

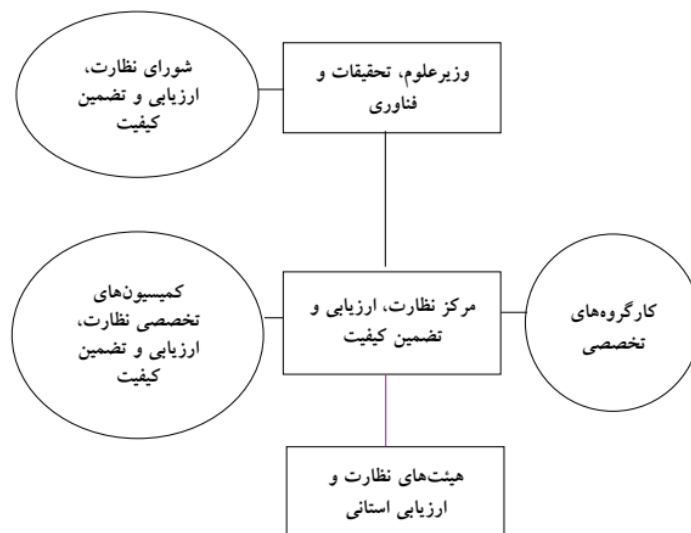
سازمان سنجش آموزش کشور، در سال ۱۳۴۷ با عنوان «مرکز آزمون‌شناسی» راه‌اندازی شد و در ساختار آن «مرکز ارزشیابی آموزشی» در جهت راهبری فعالیت ارزیابی آموزشی و نظارت آموزش عالی ایجاد شد (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۹۶). در سال ۱۳۷۹ در این سازمان، دبیرخانه ارزیابی درونی به‌وجود آمد و به پشتیبانی از انجام داوطلبانه ارزیابی درونی در گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها پرداخت. تهیه بسته‌های آموزشی و ترویجی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، برگزاری همایش ارزیابی درونی و طراحی نرم‌افزار ارزیابی درونی، از جمله فعالیت‌های دبیرخانه ارزیابی درونی بوده است (فراستخواه، ۱۳۸۸). از سال ۱۳۹۵ نیز مرکز تحقیقات، ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی سازمان سنجش در عمل بر بعد پژوهشی این حوزه متمرکز شده است و اقداماتی نظیر برگزاری کارگاه‌های آموزشی، تهیه و تدوین مواد آموزشی، راهبری فرایند ارزیابی درونی و انجام فعالیت‌های پژوهشی در حوزه تضمین کیفیت را انجام می‌دهد (منیعی و همکاران، ۱۴۰۰).

ب) مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت

از آغاز تأسیس وزارت فرهنگ و آموزش عالی، واحدهایی تحت عنوان نظارت و ارزیابی در این وزارتخانه مطرح بوده است؛ اما از سال ۱۳۶۱ شمسی، دفتر نظارت و سنجش در معاونت آموزشی این وزارتخانه شکل گرفت و فعالیت‌هایی را در این زمینه ترتیب داد. از سال ۱۳۶۷ این دفتر کوشش کرد تا واحدهای

نظارت و سنجش آموزشی در دانشگاه‌ها را به‌وجود آورد (نورشاهی، ۱۳۸۳). در سال ۱۳۹۱، با تجمیع دفاتر نظارت و ارزیابی در معاونت‌های وزارتخانه، «مرکز نظارت و ارزیابی آموزش عالی» تشکیل یافت و نام آن در سال ۱۳۹۸ به «مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت علوم، تحقیقات و فناوری» تغییر پیدا کرد (منیعی و همکاران، ۱۴۰۰). این مرکز ساختاری را برای نظام ارزیابی و تضمین کیفیت بر پایه چهار رکن، یعنی شورای نظارت و ارزیابی، مرکز نظارت و ارزیابی، هیئت‌های نظارت و ارزیابی استانی و دفاتر نظارت و ارزیابی مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری طراحی کرده است (شکل ۱).

شکل ۱. ساختار نظام نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت عتف

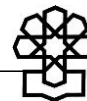


مأخذ: منیعی و همکاران، ۱۴۰۰.

طبق این ساختار، هیئت‌های نظارت استانی در دانشگاه منتخب استانی، مسئولیت نظارت و ارزیابی همه مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری استان را برعهده دارند. ترکیب این هیئت، شامل رئیس، معاون آموزشی، دبیر هیئت استانی، معاون پژوهشی، معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه منتخب و ۶ نفر از اعضای هیئت علمی از مؤسسه‌های دولتی مستقر در استان است و از سال ۱۳۹۲، بازدیدهای نظارتی از مؤسسات آموزش عالی به‌عمل آورده است (مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت، ۱۴۰۰).

۳. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

در ایران، اولین کوشش برای ارزیابی مستمر در آموزش عالی از سال ۱۳۷۵ با تدوین طرح ارزیابی درونی در آموزش پزشکی آغاز شد. در سال ۱۳۷۶، ۶ گروه آموزش پزشکی شامل پنج گروه در دانشگاه‌های شهر تهران و یک گروه در دانشگاه علوم پزشکی کرمان طرح ارزیابی درونی را به اجرا درآوردند (بازرگان،



۱۳۸۸، ۸۳). در سال ۱۳۷۹، شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، مطالعاتی را در زمینه ارزیابی و اعتباربخشی انجام داد و ایجاد ساختار ارزیابی و اعتباربخشی آموزش پزشکی تخصصی را به تصویب رساند که نتیجه آن، تشکیل ۱۶ کمیته تخصصی و تدوین استانداردهای آموزشی در ۹ رشته تخصصی بود (چنگیز و همکاران، ۱۴۰۰).

شورای گسترش آموزش عالی دانشگاه‌های علوم پزشکی، مسئولیت اصلی ارزیابی مؤسسات آموزشی و پژوهشی عالی علوم پزشکی را برعهده دارد. از جمله وظایف این شورا، تعیین ضوابط و شاخص‌های لازم برای ایجاد رشته/مقاطع تحصیلی علوم پزشکی، تصویب استانداردها و شاخص‌های ارزیابی مؤسسات آموزشی/پژوهشی عالی علوم پزشکی دولتی و غیردولتی، و اعتباربخشی مؤسسات آموزشی/پژوهشی علوم پزشکی می‌باشد. دبیرخانه این شورا در سال ۱۳۹۴، «آیین‌نامه کمیسیون ملی اعتباربخشی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی و مؤسسات آموزشی و پژوهشی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» را تصویب کرد و شوراهای آموزشی این وزارتخانه (علوم پایه پزشکی و بهداشت، پزشکی و تخصصی، پزشکی عمومی، دندانپزشکی و تخصصی، و داروسازی) را موظف ساخت تا آیین‌نامه اعتباربخشی دوره‌های آموزشی تحت نظر خود را تدوین نموده و به تصویب شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی برسانند (دبیرخانه شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی، ۱۳۹۸). در این راستا، دبیرخانه‌های شوراهای آموزشی اقدام به ایجاد «واحد ارزشیابی و اعتباربخشی» در ساختار خود نموده‌اند و اقداماتی از قبیل تدوین آیین‌نامه ارزشیابی و اعتباریابی دوره‌های آموزشی (دندانپزشکی و تخصصی)، تدوین فرایند ارزشیابی و اعتباربخشی ادواری (پزشکی و تخصصی) و تدوین استانداردهای برنامه آموزشی (پزشکی عمومی) انجام داده‌اند. با این حال، گزارشی از نتایج ارزیابی‌ها و اعتباربخشی‌های انجام‌گرفته موجود نیست و به نظر می‌رسد با وجود انجام مطالعات و تدوین برخی مقررات و آیین‌نامه‌ها در زمینه ارزیابی و اعتبارسنجی که بخشی از زیرساخت‌های نهادی مورد نیاز را فراهم ساخته است، هنوز تجربه کافی ارزیابی و اعتبارسنجی در وزارت بهداشت به دست نیامده است و تاکنون ساختار و فرایند مشخص و جاافتاده‌ای برای اعتباربخشی به مؤسسات و برنامه‌های آموزش پزشکی شکل نگرفته است.

آسیب‌شناسی فعالیت‌های ارزیابی

نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی مستلزم ایجاد و استقرار نهادهای فرادانشگاهی و ملی اعتبارسنجی است (فراستخواه، ۱۳۸۷)؛ اما به‌رغم کوشش‌های انجام‌گرفته، هنوز گام‌های منسجمی برای استقرار نظام ارزیابی و اعتبارسنجی در سطح کل نظام آموزش عالی کشور برداشته نشده است. برخی از مهم‌ترین آسیب‌های فعالیت‌های ارزیابی آموزش عالی و پژوهش کشور به شرح زیر است:

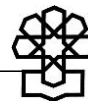
۱. **پراکندگی فعالیت‌های ارزیابی:** فعالیت‌های ارزیابی گسترده‌ای در نظام آموزش عالی و علم و فناوری کشور در حال انجام است. هریک از نهادهای شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان اداری و استخدامی، شورای عتف، معاونت علمی و فناوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت،

درمان و آموزش پزشکی و موارد دیگر، شاخص‌هایی در زمینه آموزش عالی و پژوهشی تهیه کرده‌اند و مدعی ارزیابی بخش‌هایی از آن هستند. یکی از دلایل این مسئله، وجود دستگاه‌های متولی چندگانه برای سیاستگذاری و مدیریت نظام آموزش عالی و علم و فناوری کشور است و تفکیک وظایف روشنی میان آنها صورت نگرفته است. با این حال، می‌توان ساختار منسجمی برای تضمین کیفیت ایجاد کرد به طوری که سیاستگذاری و مدیریت تمامی فعالیت‌های ارزیابی را در نهاد ارزیابی واحدی متمرکز ساخت و تقسیم وظایف مناسبی را در سطوح مختلف ارزیابی ایجاد نمود تا دستگاه‌های مختلف بتوانند از نتایج فعالیت‌های یکدیگر بهره‌گیرند.

۲. دولتی و صوری بودن: در حال حاضر، تمامی فعالیت‌های ارزیابی آموزش عالی در سطوح مختلف توسط مراکز دولتی و با رویکرد بالا به پایین انجام می‌شود. در این حالت، با توجه به اینکه هر دو نظارت‌کننده و نظارت‌شونده وابسته به دولت هستند، انجام نظارت و ارزیابی واقعی، شفاف و منظم دشوار و تا حدی ناممکن است. از طرف دیگر، ارزیابی دولتی تأثیر عوامل سیاسی را در مسئله ارزیابی پررنگ می‌سازد، انگیزه کافی برای فعالیت‌های داوطلبانه خودارزیابی، خودتنظیمی و خودحسابرسی ایجاد نمی‌کند و به صوری شدن فرایندها و نتایج ارزیابی منجر می‌شود (فراستخواه، ۱۳۸۸، ۲۶۲).

۳. ضعف رویکرد علمی و تخصصی: فعالیت‌های ارزیابی آموزش عالی در کشور هنوز با رویکردهای علمی و تخصصی فاصله دارد و نتوانسته است تأیید و حمایت صاحب‌نظران این حوزه را به خود جلب نماید. تاکنون در ایران هیچ گونه ساختار و سازمان حرفه‌ای برای ارزیابی آموزش عالی شکل نگرفته است و فعالیت‌های ارزیابی از قبیل سیاستگذاری تضمین کیفیت، طراحی سازوکارها و فرایندها، تدوین شاخص‌ها، اجرای ارزیابی، گردآوری اطلاعات، تحلیل و تفسیر نتایج ارزیابی، عمدتاً توسط کارکنان و کارشناسان دولتی و بدون مشارکت سازمان‌های حرفه‌ای، متخصصان رشته‌های مختلف و صاحب‌نظران ارزیابی (ملی و بین‌المللی) صورت می‌گیرد و به همین دلیل، از لحاظ اعتبار علمی دچار چالش بوده و از کسب مشروعیت در میان جامعه علمی و دانشگاهی ناتوان است.

۴. غلبه رویکرد کنترلی: عمده فعالیت‌های ارزیابی بر ورودی‌ها و فرایندهای نظام آموزش عالی و پژوهشی تمرکز دارند و نسبت به سنجش نتایج و عملکردهای مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، کم‌توجهی وجود دارد. برای مثال، در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و فرم‌های زیادی در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی، دانشجویی، صنفی و رفاهی و موارد دیگر تهیه و تصویب و به مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی ابلاغ شده است که جزئیات این امور را تعیین کرده و الزامات زیادی را به آنها تحمیل می‌نماید. غلبه رویکرد کنترلی، ضمن اینکه نوآوری‌ها، طرح‌های تحولی و اقدامات درون‌زای مؤسسات را محدود می‌سازد، به بی‌معنا شدن ارزیابی عملکرد و تقلیل آن به نظارت بر میزان رعایت مقررات و دستورالعمل‌های ابلاغی منجر می‌شود.



۵. مستمر نبودن ارزیابی‌ها: اغلب ارزیابی‌های گذشته، فاقد استمرار و برنامه زمانی باثبات بوده‌اند. ارزیابی کلان علم و فناوری توسط معاونت فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۸۳ شروع شد (اولین ارزیابی کلان آموزش عالی، ۱۳۸۳) و بعد از چند مرحله متوقف شده و در دهه اخیر گزارشی توسط این نهاد منتشر نشده است. تعداد ارزیابی‌های درونی گروه‌های آموزشی تا سال ۱۳۸۹ روندی صعودی داشته و پس از آن کاهش پیدا کرده است (روند پیشرفت ارزیابی درونی در نظام دانشگاهی ایران، ۱۳۹۶). در سال‌های اخیر، مرکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز اقداماتی را در زمینه تدوین مقررات و طراحی سازوکارهای ارزیابی انجام داده است (گزارش عملکرد مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت، ۱۴۰۰)، اما هنوز گزارشی از دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی ارزیابی شده منتشر نکرده است. از طرف دیگر، بخش مهمی از ارزیابی و تضمین کیفیت که باید نسبت به دوره‌ها و برنامه‌های تحصیلی صورت گیرد، تنها به شکل پیشینی و در مرحله اعطای مجوز تأسیس و اخذ دانشجو انجام می‌شود و از بررسی‌های دوره‌ای در راستای اصلاح مستمر این دوره‌ها متناسب با نیازهای روز غفلت می‌شود.

۶. فردگرایی در ارزیابی‌ها: بجز موارد اندکی از فعالیت‌های ارزیابی، مانند رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی که به کلیت این مؤسسات مربوط می‌شود (پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، ۱۳۹۸)، عمده فعالیت‌های دیگر، واحدهای جزئی و افراد حاضر در این مؤسسات (اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان) را مورد هدف قرار داده‌اند. رویکرد فعلی ارزیابی‌ها به نحوی است که به ایجاد هویت سازمانی و منافع مشترک در میان گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها، گروه‌های پژوهشی مؤسسات پژوهشی و کلیت این مؤسسات منجر نمی‌شود. هر فردی به صورت جداگانه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و احساس مسئولیتی نسبت به جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌های کلان مؤسسه ایجاد نمی‌شود. این درحالی است که عملکرد یک مجموعه برابر با مجموع عملکرد یکایک اعضای آن نیست و ارزیابی بیرونی باید از فردگرایی به سطح گروه و سازمان ارتقا یابد.

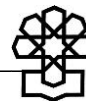
۷. شفافیت پایین فعالیت‌های ارزیابی. نهادها و سازمان‌هایی که مسئولیت تضمین کیفیت نظام آموزش عالی و علم و فناوری را برعهده دارند، باید مأموریت‌ها، فرایندها، استانداردها و شاخص‌های ارزیابی روشنی داشته باشند که به‌طور عمومی در اختیار دیگران قرار گیرد. همچنین، گزارش کامل یا خلاصه ارزیابی‌های بیرونی نیز باید به‌صورت عمومی منتشر شده و در اختیار ذی‌نفعان قرار داده شود. در حال حاضر، بجز نتایج رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، گزارش دیگری از ارزیابی‌های بیرونی مؤسسات و دوره‌های تحصیلی منتشر نمی‌شود و گستره فعالیت‌های ارزیابی و سطح کیفی مؤسسات و دوره‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

۸. کم‌توجهی به ذی‌نفعان مختلف آموزش عالی و پژوهشی. برای اطمینان از معناداری ارزیابی‌های بیرونی، نهادها باید تضمین کیفیت باید اعتماد مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی را به‌دست

آورند. این نهادها، باید زمینه مشارکت ذی‌نفعان مختلف شامل مدیران مؤسسات و گروه‌های آموزشی و پژوهشی، اعضای هیئت علمی، کارکنان غیر هیئت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان، کارفرمایان بازار کار را در ساختار نهادها، شوراها، کمیته‌های تخصصی و هیئت‌های ارزیابی فراهم سازند. در حال حاضر، ترکیب شورای نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و کمیسیون‌های تخصصی آن در آیین‌نامه مربوطه، عمدتاً از جایگاه‌های رسمی و تعداد کمی اعضای هیئت علمی تشکیل شده است و ذی‌نفعان دیگر نادیده گرفته شده‌اند (آیین‌نامه نظام نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۵). ترکیب کمیسیون ملی اعتباربخشی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز از این قاعده پیروی می‌کند.

۹. اثربخش نبودن فعالیت‌های ارزیابی: با وجود فعالیت‌های ارزیابی موجود، نتایج ارزیابی فاقد منافع و کارکردهای مورد انتظار هستند. کارفرمایان و مشتریان، چندان به گزارش‌های ارزیابی رسمی و نتایج رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی توجه نمی‌کنند. دانشجویان در انتخاب دانشگاه‌ها به نتایج این ارزیابی‌ها استناد نمی‌کنند و صرفاً بر تصور رایج درباره جایگاه مؤسسات آموزشی اکتفا می‌کنند. نتایج ارزیابی ارتباطی با بهره‌مندی از بودجه دولتی نیز ندارد و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی با هر سطحی از کیفیت، از این منبع مالی محروم نمی‌شوند. به نظر می‌رسد تأثیرگذار نبودن نتایج ارزیابی بر ادامه فعالیت مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و تخصیص بودجه دولتی به پایین‌بودن اثربخشی فعالیت‌های ارزیابی، بهبود نیافتن عملکردها و ضعف پاسخگویی منجر شده است. از این رو، شاید بتوان جدی‌ترین فعالیت ارزیابی در نظام آموزش عالی و پژوهشی کشور و قلب تپنده آن را عبارت از ارزیابی اعضای هیئت علمی دانست که در قالب آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی انجام می‌گیرد. ارزیابی اعضای هیئت علمی، به دلیل تأثیری که در تعیین مرتبه علمی و حقوق و مزایای دریافتی دارد، به‌ویژه در دو دهه اخیر، نقش زیادی در جهت‌دهی به فعالیت‌های اعضای هیئت علمی و نتایج نظام آموزش عالی و پژوهشی در کل داشته است.

علاوه بر آسیب‌های یادشده، نظام تضمین کیفیت آموزش عالی و پژوهشی کشور کاستی‌های دیگری نیز دارد که رفع آنها برای این نظام ضروری است؛ از جمله مهم‌ترین این کاستی‌ها می‌توان به فقدان شاخص‌ها و استانداردهای معتبر و مورد توافق، کم‌توجهی به مأموریت‌گرایی و اصل تنوع در ارزیابی‌ها، چالش‌های رتبه‌بندی از نظر اعتبار و پایایی، عدم عضویت در شبکه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تضمین کیفیت و جدا افتادن از تجارب جهانی، نبود سامانه جامع آمار و اطلاعات آموزش عالی و علم و فناوری، و نهادینه‌نشدن خودارزیابی به‌عنوان اساس تضمین کیفیت اشاره کرد (فراستخواه، ۱۳۸۷).



مطالعه تطبیقی کشورهای منتخب

در این قسمت، به مطالعه تطبیقی نظام تضمین کیفیت آموزش عالی در تعدادی از کشورها پرداخته شده است. این کشورها، شامل ایالات متحده به‌عنوان یک نظام غیرمتمرکز و غیردولتی، فرانسه به‌عنوان یک نظام متمرکز، چین به‌عنوان یک الگوی شرقی و در حال توسعه و ترکیه به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه دارای زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مشترک است. در جدول ۲، این نظام‌ها، از نظر ساختار، تأمین مالی، سطوح ارزیابی، ترکیب هیئت ارزیاب و پیامدهای ارزیابی با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

جدول ۲. ویژگی‌های نظام ارزیابی آموزش عالی کشورهای منتخب

کشورها	ساختار	تأمین مالی	سطوح ارزیابی	ترکیب هیئت ارزیاب	پیامد ارزیابی	منابع
ایالات متحده آمریکا	غیر دولتی - غیرمتمرکز	دولت - مؤسسات - اعتبارسنجی شده - کمک‌های خیریه	مؤسسات - آموزش عالی دوره‌های تحصیلی	همتایان علمی - افرادی از بخش خصوصی	اطمینان از کیفیت - برخورداری از منابع دولتی - کسب اعتماد بخش خصوصی - تسهیل انتقال بین مؤسسات برای دانشجویان	- ایتون، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷؛ - فراستخواه، ۱۳۸۸؛ - شمس مورکانی و میرزاپور، ۱۳۹۱
فرانسه	دولتی - متمرکز	دولت	مؤسسات - آموزش عالی و پژوهشی - دوره‌ها و مدارک تحصیلی - رویه ارزیابی هیئت علمی	- اشخاص حقوقی دولتی - همتایان علمی - کارشناسان بین‌المللی	- تأیید اعتبار دوره‌ها و مؤسسات - برخورداری از منابع دولتی	- فراستخواه، ۱۳۸۸؛ - هیرانو، ۲۰۱۲؛ - یورودیس، ۲۰۱۸.
ترکیه	نیمه‌متمرکز	دولت	مؤسسات - دوره‌های تحصیلی	- همتایان علمی - متخصصان ارزیابی	- مأموریت‌محوری - برخورداری از منابع دولتی	- ییلماز، ۲۰۱۹؛ - یورودیس، ۲۰۲۱؛ - HEQCT، ۲۰۱۹.
چین	متمرکز دولتی	دولت	مؤسسات - دوره‌های تحصیلی - آموزش‌های شغلی	- مرتبه دانشجویی به بالا - متخصصان آموزشی بازنشسته	- تأمین مالی - رتبه‌بندی مؤسسات - ایجاد دانشگاه تراز بین‌المللی	- استاتیستا، ۲۰۲۱؛ - وانگ، ۲۰۱۴؛ - شوپون، ۲۰۱۶؛ - لی، ۲۰۱۰.

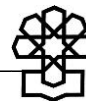
نظام تضمین کیفیت آموزش عالی کشورها، با وجود داشتن شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. با توجه به مطالب جدول ۲، می‌توان دلالت‌ها و نکات سیاستی زیر را برای ساماندهی نظام ارزیابی آموزش عالی ایران به‌دست آورد:

۱. ساختار نظام ارزیابی؛ ساختار نظام ارزیابی آموزش عالی کشورها، ارتباط مستقیمی با نوع ساختار حکومت و اداره آنها دارد. در کشورهایی از جمله آمریکا که ساختار اداری کشور تا حد زیادی غیرمتمرکز است، ارزیابی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیز به‌صورت غیرمتمرکز و با مشارکت قابل توجه بخش غیردولتی صورت می‌گیرد؛ اما در ساختارهای اداری متمرکز مانند چین، ارزیابی آموزش عالی به‌صورت دولتی، دیوانسالانه و سلسله‌مراتبی انجام می‌شود. در مجموع، با توجه به کارامدی بالاتر ساختار غیرمتمرکز، کشورها به سمت تمرکززدایی حرکت می‌کنند؛ به‌طوری‌که، در سال‌های اخیر چین و ترکیه از ایجاد و فعالیت سازمان‌های تخصصی و غیردولتی ارزیابی حمایت کرده‌اند.

۲. تأمین مالی ارزیابی؛ در نظام‌های آموزشی عالی که اغلب دانشگاه‌های آن دولتی بوده و نهادهای دولتی مسئولیت ارزیابی را برعهده دارند، طبیعی است که دولت تأمین مالی آن را نیز انجام می‌دهد؛ اما روش‌های تأمین مالی سازمان‌های غیردولتی متنوع بوده و از منابعی همچون حق عضویت یا هزینه اعتبارسنجی مؤسسات آموزش عالی، هدایا و خیریه‌ها و کمک‌های دولتی تشکیل شده است.

۳. سطوح ارزیابی؛ دو سطح متداول ارزیابی آموزش عالی، عبارتند از: مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و دوره‌ها یا برنامه‌های تحصیلی هستند. ارزیابی سطح مؤسسه به‌صورت عمومی توسط نهادهای ارزیابی ملی یا منطقه‌ای و ارزیابی سطح برنامه‌ها به‌صورت تخصصی توسط سازمان‌های تخصصی انجام می‌شود. علاوه بر اینها، سطوح دیگری نیز برای ارزیابی، مانند واحدهای پژوهشی وابسته به دانشگاه‌ها (در ترکیه)، مقررات و رویه‌ها (فرانسه) یا اعضای هیئت علمی، دانشجویان و تدوین منابع آموزشی (در چین) وجود دارند.

۴. ترکیب هیئت ارزیابی؛ فرایند ارزیابی آموزش عالی اغلب کشورها، مشابه و ترکیبی از ارزیابی درونی و ارزیابی بیرونی است. مرحله اول ارزیابی، خودارزیابی مؤسسات یا برنامه‌های تحصیلی است که به‌صورت خودجوش و داوطلبانه (بجز چین، که الزامی است) انجام می‌شود و با بررسی هم‌تایان، بازدید هیئت ارزیاب و تهیه و انتشار عمومی گزارش ارزیابی ادامه پیدا می‌کند. برای جلوگیری از تعارض منافع، در ترکیب هیئت ارزیابی باید ذی‌نفعان مختلف حضور داشته باشند. تعداد اعضای هیئت ارزیابی، ۵ تا ۱۱ نفر است و حضور نماینده نهاد ارزیابی، هم‌تایان علمی (بالاتر از مرتبه دانشجویی)، نماینده‌ای از کارفرمایان بازار کار، نماینده دانشجویان و متخصصان ارزیابی در ترکیب آن می‌تواند اعتبار ارزیابی را افزایش دهد.



۵. پیامد ارزیابی؛ پیامد اصلی ارزیابی، اطمینان یافتن از وجود کیفیت در خدمات مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی است که دانشجویان و کارفرمایان را برای استفاده از خدمات آنها مجاب می‌کند، افراد و بنیادهای خصوصی نسبت به انجام کمک‌های مالی ترغیب می‌شوند و توجیه لازم برای تخصیص منابع عمومی فراهم می‌شود. در همه کشورهای بررسی شده، ارزیابی مؤسسات با تأمین مالی دولتی گره خورده است و برخورداری از بودجه یا حمایت‌های مالی دولتی به شرکت در ارزیابی و کسب عملکرد مورد نظر مشروط شده است. از جمله پیامدهای دیگر ارزیابی می‌توان به تأیید اعتبار دوره‌های تحصیلی جاری، مأموریت‌گرایی و توسعه اهداف متنوع برای مؤسسات و رتبه‌بندی و مقایسه مؤسسات اشاره کرد.

جمع‌بندی و پیشنهادها

این گزارش، با هدف ارائه راهکارهایی برای اصلاح و تکمیل نظام تضمین کیفیت آموزش عالی و پژوهش کشور انجام شد. در بخش اول، به بررسی اسناد بالادستی در این حوزه پرداخت شد. تحلیل این اسناد نشان می‌دهد که از حدود دو دهه قبل توجه سیاستگذاران به مسئله ارزیابی آموزش عالی و پژوهشی پررنگ‌تر شده است و به تدریج بر ایجاد ابعاد مختلف نظام تضمین کیفیت، مانند «تعیین ضوابط، معیارها و استانداردهای علمی»، «استقرار نظام جامع نظارت و ارزیابی و رتبه‌بندی»، «اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها» و «ایجاد نهاد ملی مدیریت ارزیابی و اعتبارسنجی و تضمین کیفیت» تأکید شده است. بخش دوم، به آسیب‌شناسی فعالیت‌های ارزیابی انجام شده توسط نهادهای متولی نظام آموزش عالی و پژوهشی کشور اختصاص داشت که به شناسایی ۹ آسیب اصلی منجر شد که عبارت بودند از: پراکندگی فعالیت‌های ارزیابی، دولتی و صوری بودن، ضعف رویکرد علمی و تخصصی، غلبه رویکرد کنترلی، مستمر نبودن ارزیابی‌ها، فردگرایی در ارزیابی‌ها، شفافیت پایین فعالیت‌های ارزیابی، کم‌توجهی به ذی‌نفعان مختلف آموزش عالی و اثربخشی پایین فعالیت‌های ارزیابی. در بخش سوم نیز به منظور شناسایی تجارب برتر، مطالعه تطبیقی نظام تضمین کیفیت آموزش عالی چهار کشور منتخب، شامل آمریکا، فرانسه، چین و ترکیه انجام شد. حرکت به سمت تمرکززدایی از ساختار نظام تضمین کیفیت، استفاده از سازمان‌های تخصصی برای انجام ارزیابی، حضور ذی‌نفعان مختلف در نظام تضمین کیفیت و استفاده از نتایج ارزیابی به عنوان ابزار سیاستی از جمله درس‌های آموختنی این مطالعه تطبیقی بودند.

در ادامه با توجه به یافته‌ها تلاش شده است پیشنهادها و راهکارهایی برای اصلاح و تکمیل نظام تضمین کیفیت آموزش عالی و علم و فناوری کشور ارائه شود. در این راستا، بر اصول و سیاست‌هایی تکیه شده است که از جمله آنها، تأکید بر اسناد بالادستی و قوانین موجود، انسجام بخشی به فعالیت‌های ارزیابی، ماهیت تخصصی و حرفه‌ای ارزیابی، تأکید بر مأموریت‌گرایی و تنوع مؤسسات و فعالیت‌ها، تشویق

ارزیابی داوطلبانه و خودارزیابی، ارتقای شفافیت و عملکردمحوری و توجه به استانداردهای بین‌المللی بوده است.

۱. تکمیل و انسجام‌بخشی به ساختار نظام تضمین کیفیت

در این گزارش، طراحی نظام تضمین کیفیت آموزش عالی کشور، مبتنی بر رایج‌ترین الگوی موجود، یعنی الگوی اعتبارسنجی (ترکیب ارزیابی درونی و ارزیابی بیرونی) صورت گرفته است. این الگو، متناسب با زیست‌بوم فعلی آموزش عالی و علم و فناوری ایران است. ساختار مطلوب تضمین کیفیت دارای چهار جزء اصلی است که عبارتند از: نهاد ملی تضمین کیفیت، مراکز نظارت و ارزیابی کیفیت وزارتخانه‌ای، سازمان‌های غیردولتی و تخصصی اعتبارسنجی، واحدهای نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی. این الگو، ترکیبی از نهادهای دولتی و سازمان‌های غیردولتی را شامل می‌شود که سیاستگذاری و مشروعیت‌بخشی به سازوکارهای تضمین کیفیت توسط دولت انجام شده و فعالیت‌های اجرایی ارزیابی می‌تواند به سازمان‌های غیردولتی و تخصصی اعتبارسنجی سپرده شود.

الف) نهاد ملی تضمین کیفیت

در حال حاضر، هر دو وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دارای مراکزی با عنوان مرکز نظارت و ارزیابی یا عناوین دیگری هستند که مسئولیت نظارت و ارزیابی بیرونی کیفیت مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی را برعهده دارند؛ با این حال، تاکنون هیچ نهادی به‌عنوان نهاد ملی تضمین کیفیت ایجاد نشده است. نهاد ملی تضمین کیفیت باید به‌عنوان یک نهاد دولتی براساس یک مبنای قانونی ایجاد شده باشد تا به‌صورت رسمی از طرف نهادهای عمومی پرقدردت به رسمیت شناخته شود. این نهاد باید از اقتدار و استقلال کافی برخوردار بوده و تحت تأثیر منافع بخش‌های دیگر قرار نگیرد. پیشنهاد این گزارش، تأسیس «نهاد ملی تضمین کیفیت آموزش عالی، پژوهش و فناوری» در زیرمجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان یک نهاد بالادستی در حوزه آموزش عالی و علم و فناوری کشور مطرح است. از نظر اسناد بالادستی نیز نقشه جامع علمی کشور بر تأسیس نهاد ملی مدیریت ارزیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت زیرنظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید کرده است.^۱ در ترکیب نهاد ملی تضمین کیفیت، باید نمایندگان از طرف همه زیرنظام‌های آموزش عالی و علم و فناوری، شامل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، معاونت تربیت و آموزش نیروهای مسلح، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام نور، نمایندگان از دستگاه‌های دولتی طرف تقاضای آموزش عالی (مانند وزارت کار، وزارت صمت و غیره)، نماینده‌ای از

۱. نقشه جامع علمی کشور، راهبرد کلان ۶، اقدام ملی ۹.



بازار کار غیردولتی، چند نفر از اعضای هیئت علمی و صاحبانظران حوزه ارزیابی و نماینده دانشجویان حضور داشته باشند. مهم‌ترین وظایف و اختیارات این نهاد شامل موارد زیر خواهد بود:

۱. بررسی و تصویب سیاست‌ها، اصول و برنامه‌های کلی نظام تضمین کیفیت آموزش عالی اعم از آموزشی، پژوهشی، فناوری، فرهنگی و اجرایی؛
۲. بررسی و تصویب شاخص‌ها و استانداردهای ملی در زمینه ارزیابی کیفیت نظام آموزش عالی و علم و فناوری؛
۳. تصویب نظام‌های اعتباربخشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛
۴. اعتباردهی و رسمیت‌بخشی به سازمان‌های اعتبارسنجی غیردولتی؛
۵. بررسی و انتخاب دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی پیشنهادی به‌منظور تأمین مالی ویژه؛
۶. تصمیم‌گیری درباره پیوستن به شبکه‌های تضمین کیفیت آموزش عالی منطقه‌ای و بین‌المللی؛
۷. تدوین و انتشار گزارش‌های سالیانه از ارزیابی کلان آموزش عالی و علم و فناوری کشور.

ب) مراکز نظارت و ارزیابی کیفیت وزارتخانه‌ای (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)

ارزیابی و اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی ذیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برعهده این وزارتخانه گذاشته شده است.^۱ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز همین وظیفه را نسبت به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی پزشکی برعهده دارد.^۲ در این راستا، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به تأسیس «مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت» و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تأسیس «کمیسیون ملی اعتباربخشی دانشگاه‌های علوم پزشکی» اقدام کرده‌اند. هر کدام از این مراکز، فعالیت‌های ارزشمندی در زمینه طراحی فرایندهای ارزیابی و تدوین آیین‌نامه‌های مورد نیاز انجام داده‌اند؛ اما هنوز به‌صورت کامل اجرایی نشده و استقرار نیافته‌اند. همچنین، حیطه وظایف و اختیارات این مراکز محدود بوده و برخی از فعالیت‌های ارزیابی مانند مجوزدهی به مؤسسات و اعتباربخشی دوره‌ها و برنامه‌ها توسط واحدهای دیگری مانند شوراهای عالی برنامه‌ریزی آموزشی و شوراهای گسترش آموزش عالی انجام می‌گیرد. لازم است به‌تدریج تمامی وظایف اجرایی اعتباربخشی و ارزیابی شامل ارزیابی مدیریت دانشگاه‌ها، اعضای هیئت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان، فعالیت‌های پژوهشی، دوره‌های تحصیلی، فرایندهای آموزشی و دیگر موضوعات فرهنگی، اجتماعی و صنفی تمرکز پیدا کرده و به مراکز نظارت و ارزیابی وزارتخانه واگذار شود.

ج) سازمان‌های اعتبارسنجی تخصصی غیردولتی

در قانون تشکیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به ارزیابی و اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی از طریق حمایت از انجمن‌های مستقل علمی، تخصصی و فرهنگستان‌ها اشاره

۱. قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ماده (۲)، بندهای «۴»، «۵»، «۶»، «۱۰»، «۱۱» و «۱۳».

۲. قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ماده (۴).

شده است^۱ و در قانون برنامه توسعه پنجم کشور نیز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مجاز شده‌اند عملیات اجرایی سنجش کیفیت و رتبه‌بندی را به مؤسسات مورد تأیید در بخش غیردولتی واگذار نمایند.^۲ با توجه به تخصصی بودن موضوع ارزیابی و اعتبارسنجی و تنوع بالای دوره‌های تحصیلی و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، استفاده از سازمان‌های تخصصی و حرفه‌ای بدین منظور، هم زمینه مشارکت ذی‌نفعان بیشتری را فراهم می‌آورد و هم به بهبود اعتبار و صحت شاخص‌ها، فرایندها و نتایج ارزیابی منجر می‌شود. مؤسسات حرفه‌ای، انجمن‌های علمی و سازمان‌های حرفه‌ای زیادی می‌توانند به صورت داوطلبانه و غیررسمی به ارزیابی یا رتبه‌بندی مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و برنامه‌ها بپردازند؛ اما رسمیت یافتن سازمان‌های اعتبارسنجی و نتایج ارزیابی‌های آنها از طرف دولت که حمایت‌ها یا محدودیت‌های تعیین شده را برای مؤسسات یا برنامه‌های ارزیابی شده به دنبال دارد، در گرو پیروی از چارچوب‌ها و استانداردهای نهاد ملی تضمین کیفیت است. سازمان‌های اعتبارسنجی تخصصی و غیردولتی می‌توانند منابع مالی مورد نیاز خود را از روش‌های مختلفی مانند موارد زیر تأمین کنند:

۱. پرداخت حق عضویت سالیانه توسط مؤسسات و برنامه‌هایی که اعتبارسنجی شده‌اند؛
۲. هزینه‌ای که از مؤسسات و برنامه‌ها جهت انجام بازدید و اعتبارسنجی گرفته می‌شود؛
۳. کمک‌های مالی از طرف سازمان‌های خیریه و بنیادهای خصوصی؛
۴. اعتبارات دولتی برای انجام برخی طرح‌ها و مأموریت‌های ویژه.

د) واحدهای نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی

مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، مسئولیت اصلی را نسبت به عرضه خدمات با کیفیت بالا برعهده دارند. با توجه به استقلال اداری و تشکیلاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی،^۳ این واحدها مجاز هستند که با توجه به ملاحظات خاص خود به ایجاد ساختار تضمین کیفیت درونی اقدام نمایند؛ اما مسئله مهم و اساسی این است که در درون آنها، تعهدی نسبت به فرهنگ کیفیت وجود داشته باشد. منابع، برنامه‌ها، پژوهش‌ها و امکانات مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی باید از شفافیت برخوردار باشد و فرایندها، سیاست‌ها و رویه‌های تضمین کیفیت‌شان به‌طور واضح در معرض نظارت جامعه قرار گیرد. همچنین باید امکانات کافی برای حفظ و ارتقای کیفیت آموزش، یادگیری و پژوهش اثربخش

۱. قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ماده (۲)، بند «ب-۱۰»: «ارزیابی و اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی به‌صورت مستقیم و یا از طریق حمایت از انجمن‌های مستقل علمی، تخصصی و فرهنگستان‌ها در ارزیابی علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات».

۲. قانون برنامه پنجم توسعه کشور، تبصره ماده (۱۵).

۳. قانون برنامه چهارم توسعه، ماده (۴۹)، بند «الف»: «دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستان‌های تخصصی، که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند صرفاً براساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص، مصوب هیئت‌های امنای مربوط که به تأیید وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد می‌رسد، بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی، قانون استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی اداری و مالی و استخدامی اداره خواهند شد».



اختصاص یابد و جمعی از ذی‌نفعان در سطوح مختلف تضمین کیفیت درونی مشارکت داده شوند. اینها مواردی هستند که در ارزیابی بیرونی باید مورد توجه قرار گیرند. مراکز نظارت و ارزیابی وزارتخانه‌ای وظیفه دارند که فرهنگ تضمین کیفیت درونی و داوطلبانه را در دانشگاه‌ها تقویت نمایند و یکی از راهکارهای آن، تهیه و انتشار چارچوب‌ها و «اصول راهنمای کیفیت» است. راهکار دیگر، اعزام متخصصان ارزیابی به‌عنوان مربی به دانشگاه‌هاست.

۲. تکمیل فرایند اعتبارسنجی و گستره آن

الگوی اعتبارسنجی تضمین کیفیت، اغلب دارای پنج مرحله است که عبارتند از: خودارزیابی، بررسی هم‌تایان، بازدید میدانی، قضاوت و تعیین وضعیت اعتبار و تکرار دوره‌ای ارزیابی. آنچه در وضعیت فعلی آموزش عالی کشور جریان دارد، تعدادی ارزیابی درونی به‌صورت داوطلبانه و اختیاری است که با ارزیابی بیرونی تکمیل نمی‌شود و همه مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی را دربرنمی‌گیرد. علاوه بر این، ارزیابی‌های بیرونی عملکردی که به‌صورت سالیانه از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام می‌شود، بیشتر ماهیت اداری و رسمی دارد، موضوعات محدودی را پوشش داده و بی‌ارتباط با ارزیابی‌های درونی است. تکمیل فرایند اعتبارسنجی اولاً مستلزم انجام همه مراحل اعتبارسنجی با ترتیب مشخص در دوره زمانی معین و ثانیاً مستلزم گسترش محدوده آن برای پوشش همه موضوعات مرتبط مانند مدیریت مؤسسه یا برنامه، فرایندهای آموزشی، محتوای درسی، اعضای هیئت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و فعالیت‌های پژوهشی است.

۳. مشارکت‌دادن ذی‌نفعان در طراحی و استقرار نظام تضمین کیفیت

چارچوب تضمین کیفیت باید تنوع دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، دوره‌ها و برنامه‌های تحصیلی را تحت پوشش قرار دهد و آن را در تدوین ساختارها، استانداردها، شاخص‌ها و رویه‌ها بازتاب دهد. دستیابی به این امر در گرو مشارکت‌دادن ذی‌نفعان مختلف در طراحی و اجرای نظام تضمین کیفیت است. همچنین، مشارکت ذی‌نفعان کلیدی می‌تواند به روشن شدن اهداف و شفافیت رویه‌های یاری رساند و اعتبار، قابلیت اعتماد و فایده‌بخشی آنها را تضمین نماید. ذی‌نفعان کلیدی نظام آموزش عالی و پژوهشی عبارتند از: دولت، مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، اعضای هیئت علمی آموزشی و پژوهشی، دانشجویان، کارفرمایان بازار کار. بی‌توجهی به نیازها و انتظارات هریک از این گروه‌ها، ناقص بودن فرایند و نتایج ارزیابی و اثربخشی پایین آن را به‌دنبال خواهد داشت. بنابراین، توصیه می‌شود نمایندگان از تمامی ذی‌نفعان کلیدی در شوراها، کمیسیون‌ها، کمیته‌های تخصصی و هیئت‌های ارزیابی حضور داشته باشند و در تدوین فرایندها و رویه‌ها، تعیین استانداردها و شاخص‌ها، و مراحل اجرایی ارزیابی مشارکت کنند. برای مثال، مراکز نظارت و ارزیابی می‌توانند «بانک متخصصان ارزیابی» (شامل اعضای هیئت

علمی دانشیار به بالا و صاحب‌نظران حوزه ارزیابی) به پیشنهاد مؤسسات آموزش عالی تشکیل دهند و در کمیته‌های تخصصی و هیئت‌های ارزیابی مورد استفاده قرار دهند.

۴. تغییر رویکرد ارزیابی‌ها از درون‌دادمحوری به برون‌دادمحوری

همان‌گونه که در قسمت آسیب‌شناسی گفته شد یکی از آسیب‌های فعالیت‌های ارزیابی در وضعیت موجود، غلبه رویکرد کنترلی و تأکید بر متغیرهای ورودی دانشگاه‌ها، مانند پذیرش دانشجویان، جذب و گزینش اعضای هیئت علمی، تدوین و تصویب دوره‌های آموزشی و برنامه‌های درسی و موارد دیگر است؛ در حالی که، نسبت به متغیرهای خروجی، مانند توانمندی‌های دانش‌آموختگان، کیفیت پژوهش‌های دانشگاهی (مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها)، ایجاد نوآوری و کارآفرینی توجه چندانی صورت نمی‌گیرد. درون‌دادمحوری رویکردی ایستا و انفعالی به ارزیابی دارد؛ در حالی که برون‌دادمحوری از ویژگی پویایی برخوردار است و موجب تحول و تعالی در فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و همچنین، خود تضمین کیفیت می‌شود.

بنابراین، در ارزیابی بیرونی، به جای درون‌داده‌ها، باید تمرکز دولت بر تعیین برون‌دادهای مورد انتظار باشد. تا حد امکان، اختیار درون‌داده‌ها و فرایندها، شامل پذیرش دانشجویان، توسعه برنامه‌های درسی، جذب و به‌کارگیری اعضای هیئت علمی، امور فرهنگی، اجتماعی و صنفی و رفاهی به خود مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی سپرده شود. در این صورت، مسئولان و هیئت علمی مؤسسات می‌توانند با توجه به زمینه‌های متفاوت، مأموریت‌ها و حوزه‌های متنوعی را تعریف کرده و دنبال نمایند و از تجربه و تخصص حرفه‌ای خود برای استفاده از منابع محدود برای دستیابی اثربخش و کارآمد به خروجی‌های مورد انتظار بهره ببرند. در این صورت، ارزیابی بیرونی هر مؤسسه نیز به صورت منحصر به فرد و براساس مأموریت خاص آن به عمل خواهد آمد.^۱

۵. استفاده از نتایج ارزیابی به عنوان ابزار سیاستی

همراه با تقویت برون‌دادمحوری ارزیابی‌های بیرونی، می‌توان از نتایج آن به عنوان ابزار سیاستی مؤثری استفاده کرد. زمینه قانونی این امر نیز در قانون برنامه چهارم توسعه بوده است که در آن، بر مداخله در نظام آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی و سرمایه‌گذاری در علوم منتخب توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی براساس نتایج ارزیابی تأکید شده است.^۲

۱. برای مثال، دانشگاه الزهرا (س) و دانشگاه تربیت مدرس، براساس طرح تحول راهبردی خود، اسناد کیفیت مربوطه را تهیه کرده‌اند.

۲. قانون برنامه چهارم توسعه، ماده (۴۹)، بند «ج»: ارزیابی مستمر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی دولتی و خصوصی توسط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری انجمن‌های علمی و مداخله براساس آن در سرمایه‌گذاری در علوم منتخب و تکیه بر ایجاد قطب‌های علمی، براساس مزیت‌های نسبی و نیازهای آتی کشور.



از جمله ابزارهای سیاستی که می‌توان میان آنها با نتایج ارزیابی پیوند برقرار کرد، عبارتند از: اعطای مجوزها، تعیین استانداردها، انعقاد قراردادهای پژوهشی، مأموریت‌گرایی و ارائه حمایت‌های ویژه و سازوکار تخصیص بودجه دولتی. در ادامه، درباره اعطای مجوزها، مأموریت‌گرایی و عملکردمحوری در تخصیص بودجه دولتی، توضیحاتی ارائه می‌شود.

- اعطای مجوزها؛^۱ برخلاف وضعیت موجود، مجوز ایجاد مؤسسات و اجرای دوره‌ها باید به صورت مشروط بوده و تمدید آن به نتایج اعتبارسنجی موکول شود. اعتبارسنجی باید در دوره‌های زمانی مشخص انجام گرفته و شاخص‌های ارزیابی نیز هماهنگ با تحولات موجود بازنگری شوند.

- عملکردمحوری در تخصیص بودجه دولتی؛ تأمین مالی یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولتی برای هدایت مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی است. در همه کشورهای مطالعه شده در این گزارش، نتایج ارزیابی بیرونی در بهره‌مندی از منابع دولتی تأثیرگذار بودند. اساسی‌ترین معیار تخصیص منابع مالی دولتی باید کیفیت خدمات آموزشی و پژوهشی و پاسخگویی در برابر نیازهای ذی‌نفعان، به خصوص دانشجویان باشد. با توجه به سازوکار تخصیص بودجه فعلی که مبتنی بر هزینه سرانه دانشجویی است، تغییر بخشی از آن به عملکردمحوری باید به صورت کاملاً تدریجی و با شروع از شاخص‌های کمی‌تر مانند دستاوردهای پژوهشی صورت پذیرد.

- مأموریت‌گرایی مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی؛ یکی از ابزارهای سیاستی مرسوم دیگر که در این مطالعه در مورد آموزش عالی چین ملاحظه شد، تعریف مأموریت‌های خاص برای تعدادی از مؤسسات و برنامه‌های برتر و ارائه حمایت‌های ویژه نسبت به آنهاست. در این سازوکار، ارزیابی‌های بیرونی به صورت سالیانه یا دوره چندساله جهت بررسی میزان پیشرفت در راستای مأموریت‌ها و اهداف توافق شده انجام می‌شود. زمینه قانونی این سازوکار را می‌توان در قانون برنامه پنجم توسعه نیز پیدا کرد که در آن بر انتخاب ده دانشگاه برتر وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و پنج دانشگاه برتر وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که دارای عملکرد برجسته در راستای گسترش مرزهای دانش و فناوری باشند، جهت حمایت مالی و حقوقی و پشتیبانی ویژه از آنها تأکید شده است.^۲

۶. الزام انتشار عمومی نتایج ارزیابی

نتایج ارزیابی اگر به صورت عمومی منتشر نشود، نمی‌تواند به کارکردهای مورد نظر از قبیل اطلاع‌رسانی و پاسخگویی به ذی‌نفعان منجر شود. در حال حاضر، بجز نتایج رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی،

۱. قانون برنامه پنجم توسعه، تبصره ماده (۱۵): پس از استقرار نظام جامع نظارت و ارزیابی و تضمین کیفیت، هر گونه گسترش و توسعه رشته‌ها، گروه‌ها و مقاطع تحصیلی موکول به رعایت شاخص‌های ابلاغی از سوی وزارتخانه‌های ذی‌ربط (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی است.
۲. قانون برنامه پنجم توسعه، ماده (۲۰)، بند «الف-۳»: از ده دانشگاه برتر وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و پنج دانشگاه برتر وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که دارای عملکرد برجسته در راستای گسترش مرزهای دانش و فناوری هستند حمایت مالی و حقوقی و پشتیبانی ویژه نماید.

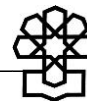
گزارش ارزیابی دیگر منتشر نمی‌شود. پیشنهاد می‌شود که خروجی هر نوع فعالیت ارزیابی مؤسسات و برنامه‌های آموزش عالی و پژوهشی به صورت عمومی منتشر شوند. ساختار گزارش ارزیابی باید به نحوی طراحی شود که شامل بخش‌هایی به‌عنوان توصیف، تحلیل، نتیجه‌گیری، توصیه‌ها و راهکارها باشد و معیارهای به‌کار رفته در قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را دربرگیرد. این گزارش باید در دسترس قرار گیرد تا فرصتی برای کنشگران و کاربران فراهم شود که نظرات خود را نسبت به آن ارائه نمایند. علاوه بر نتایج ارزیابی خرد مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، در سطح میانی و کلان نیز وزارتخانه‌های مربوطه و شورای عالی انقلاب فرهنگی باید گزارش‌های سالیانه‌ای را درباره نتایج کلی ارزیابی‌ها و تصمیم‌های ارائه نمایند. این گزارش‌ها، اطلاعات مفیدی را درباره میزان پیشرفت‌ها، روندها، عملکردهای مطلوب و چالش‌های موجود فراهم می‌کنند که می‌تواند در بازنگری سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به‌کار گرفته شود.

۷. ایجاد سامانه ملی اطلاعات آموزش عالی و علم و فناوری

با وجود فعالیت‌های پراکنده‌ای که در زمینه تولید و انتشار برخی آمارهای آموزش عالی توسط برخی نهادها (مانند مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی) وجود دارد، با این حال، هنوز سامانه جامعی برای اطلاعات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فناوری ایجاد نشده است. در سال‌های اخیر، پایگاه‌های ارزشمندی برای تولید برخی از آمارهای آموزش عالی و پژوهشی ایجاد شده است؛ مانند پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) در زمینه اطلاعات پایان‌نامه و رساله‌ها، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) در زمینه آمار مستندات علمی، نشریات و همایش‌ها و مرکز آمار ایران در زمینه آمار پژوهشگران و بودجه پژوهشی. اگرچه این مراکز می‌توانند زیرساخت‌های اولیه ایجاد نظام اطلاعات آموزش عالی و علم و فناوری را فراهم نمایند؛ با این حال، بهتر است در سامانه جامعی متمرکز و تجمیع شوند یا سامانه مستقلی ایجاد شود و از طرف دیگر، کمبودهای آماری در زمینه‌های دیگر، از جمله آثار و پیامدهای آموزش عالی و علم و فناوری، مانند وضعیت دانش‌آموختگان و نتایج پژوهش‌ها، مرتفع شود.

۸. عضویت در شبکه‌های تضمین کیفیت منطقه‌ای و بین‌المللی

پیوستن به شبکه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تضمین کیفیت می‌تواند نقش مهمی در تبادل و انتشار دانش ارزیابی و تجربه‌های موفق، آگاهی نسبت به پیشرفت‌ها و چالش‌های بین‌المللی، بهبود تخصص حرفه‌ای ارزیابان و همگرایی نظام‌های آموزش عالی ایفا کند. همچنین، عضویت در شبکه‌های بین‌المللی تضمین کیفیت می‌تواند به‌عنوان نیروی محرکه‌ای برای بهبودی کیفیت نظام آموزش عالی و ایجاد ساختارهای لازم عمل نماید (مثال، ترکیه). در بسیاری از کشورها نیز مرسوم است که از ارزیابان بین‌المللی در ارزیابی بیرونی استفاده شود. رشد فزاینده تحرک دانشجویان و تعاملات علمی و دانشگاهی بین‌المللی نیز استفاده از مزایای عضویت در شبکه‌های بین‌المللی تضمین کیفیت آموزش عالی را



دوچندان کرده است. در حال حاضر، ایران عضو هیچ کدام از شبکه‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی تضمین کیفیت آموزش عالی نیست. یکی از وظایف نهاد ملی تضمین کیفیت باید تصمیم‌گیری در مورد عضویت در شبکه‌های بین‌المللی تضمین کیفیت باشد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود پس از تأسیس این نهاد، پیوستن به شبکه کیفیت آموزش عالی در حوزه آسیا-پاسیفیک (APQN)^۱ و تلاش برای تشکیل «شبکه تضمین کیفیت آموزش عالی کشورهای اسلامی» در دستور کار آن قرار گیرد.

منابع و مآخذ

۱. بازرگان، عباس. از ارزیابی درونی در آموزش پزشکی تا نهاد ملی برای تضمین کیفیت در آموزش عالی ایران: چالش‌ها و چشم‌اندازها، مجله گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، ۶(۱)، ۱۳۸۸.
۲. پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (۱۳۹۸). رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی ایران در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۷. شیراز، انتشارات مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری.
- https://ur.isc.ac/Content/Files/Ranking_96_97.pdf
۳. چنگیز، طاهره و دیگران. راهنمای جامع اعتباربخشی برنامه‌های آموزشی در علوم پزشکی؛ ساختار، فرایند، راهنماهای خودارزیابی و ارزیابی بیرونی، فرم‌ها، اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان، ۱۴۰۰.
۴. دبیرخانه شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی، مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی، وب‌گاه دبیرخانه، ۱۳۹۸.
۵. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹.
۶. سازمان سنجش آموزش کشور، روند پیشرفت ارزیابی درونی در نظام دانشگاهی ایران، ۱۳۹۶.
۷. ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور، گزارش پایش وضعیت شاخص‌های علم، فناوری و نوآوری جمهوری اسلامی ایران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۸.
۸. سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری) (۱۳۹۳). <https://www.leader.ir/fa/content/12395/www.leader.ir>
۹. شمس مورکانی، غلامرضا و سمیرا، میرزاپور. ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی (رویکردی تعالی‌مدار)، تهران، انتشارات باور عدالت، ۱۳۹۱.
۱۰. شورای عالی انقلاب فرهنگی، شاخص‌های ارزیابی آموزش عالی، ۱۳۸۳.
۱۱. فراستخواه، مقصود. بررسی وضع موجود و مطلوب ارزیابی نظام علمی در ایران با تأکید بر بخش آموزش عالی، سیاست علم و فناوری، ۱ (۲)، ۱۳۸۷.
۱۲. فراستخواه، مقصود. دانشگاه ایرانی و مسئله کیفیت، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۸.
۱۳. فراستخواه، مقصود و عباس، بازرگان و کارو، لوکس. بررسی رابطه نظام‌های تضمین کیفیت آموزش عالی با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی؛ نقشه‌ای شناختی با تأکید بر مورد ایران، نامه علوم اجتماعی، ۳۱، ۱۳۸۶.
۱۴. فراستخواه، مقصود. کتاب شاخص آموزش عالی، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۵.
۱۵. مجلس شورای اسلامی، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۳.

۱۶. مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.
۱۷. مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳.
۱۸. مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹.
۱۹. مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.
۲۰. مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹.
۲۱. مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶.
۲۲. مجلس شورای اسلامی، قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۶۴.
۲۳. مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت، گزارش عملکرد مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت (از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹)، ۱۴۰۰.
۲۴. منیعی، رضا و دیگران. عملکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دولت‌های یازدهم و دوازدهم (۱۳۹۲-۱۳۹۹) (جلد اول و دوم، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۴۰۰).
۲۵. نورشاهی، نسرین. تاریخچه، ساختار و فعالیت‌های واحد ستادی دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۳.
۲۶. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، آیین‌نامه نظام نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۵.
27. Eaton, J. S. (2015). An Overview of US Accreditation. Revised November 2015. Council for Higher Education Accreditation.
28. Eaton, J. S. (2017). Accreditation and quality in the United States: Practice and pressures. In *Global perspectives on quality in higher education* (pp. 91–105). Routledge.
29. eurydice. (2021). Quality Assurance in Higher Education; Turkey. Retrieved from https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/quality-assurance-higher-education-86_en
30. EURYDICE. (2018). Quality Assurance in Higher Education, France. Retrieved from https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/france/quality-assurance-higher-education_en
31. HEQC. (2019). Higher Education Quality Council. Retrieved from <http://yokak.gov.tr/>
32. Hirano, S. (2012). Overview of the Quality Assurance System in Higher Education: France. National Institution for Academic Degrees and University Evaluation (NIAD-UE).
33. INQAAHE. (2021). Full Members. Retrieved from <https://www.inqahe.org/full-members-list>
34. Li, Y. (2010). Quality assurance in Chinese higher education. *Research in Comparative and International Education*, 5(1).
35. Shuiyun, L. (2016). External Higher Education Quality Assurance System in China. *Chinese Education & Society*, 49(1–2), 1–6. <https://doi.org/10.1080/10611932.2016.1192380>
36. Statista. (2021). Number of undergraduate students enrolled at public colleges and universities in China from 2010 to 2020. Retrieved from <https://www.statista.com/statistics/227028/number-of-students-at-universities-in-china/>
37. Wang, L. (2014). Quality assurance in higher education in China: Control, accountability and freedom. *Policy and Society*, 33(3).
38. YILMAZ, D. V. (2019). Quality assurance in Turkish higher education in the framework of policy process model. *Süleyman Demirel Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi Sosyal Bilimler Dergisi*, (46).